

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال هفتم شماره بیست و نهم، زمستان ۱۳۹۵ (صص ۱۳۲-۱۰۹)

بررسی ادبیات پورانه‌ای در دین و فرهنگ عامه هندو .

محسن شرفایی مرغکی*

ابوالفضل محمودی**

چکیده .

این نوشتار به معرفی بخشی از ادبیات دینی هندویی معروف به ادبیات پورانه‌ای می‌پردازد که خود حجم قابل توجهی از متون دینی هندو را تشکیل می‌دهد. ادبیات پورانه‌ای در یک تقسیم‌بندی شامل دو بخش اصلی است که هر کدام پورانه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد: ۱. مهاپورانه‌ها یا پورانه‌های بزرگ؛ ۲. اوپه پورانه‌ها یا پورانه‌های کوچک. واژه «پورانه» به معنی «کهن» و «باستان» است و ادعای فرقه‌های هندویی بر این است که این متون شأنی همسنگ و داهای چهارگانه داشته و به مثابه ودای پنجم مطرح‌اند. این متون که عمدتاً حاصل ادبیات شفاهی و مربوط به طبقه شتریه‌ها (کشتری‌ها=جنگاوران) بوده‌اند، انعکاسی از تاریخ، فرهنگ و دین عامه هندو بوده و برای شناخت آنها حائز اهمیت‌اند و با توجه به شواهدی که در آنها وجود دارد از سوی محققان جزو ادبیات کلاسیک دانسته شده‌اند. مهم‌ترین بخش ادبیات پورانه‌ای مهاپورانه‌ها هستند که به سه دسته شش تایی تقسیم شده و هر گروه متعلق به یکی از سه فرقه اصلی هندو است.

کلیدواژه‌ها: هند، دین هندو، ادبیات پورانه‌ای، مهاپورانه، اوپه پورانه.

۱- مقدمه

آشنایی با متون دینی و جستجو در آنها نقطه عزیمت در مطالعات دین‌پژوهی است. دین هندو جزو ادیانی است که دارای متون دینی فراوان و متنوعی است. نظر به گستره ادبیات دینی هندو، تاریخ این دین را به ادوار مختلفی تقسیم کرده‌اند (دوره ودایی، حماسی، سوتره‌ای و کلاسیک) که به طور خاص دو دوره سوتره‌ای و کلاسیک مربوط به بعد از تاریخ میلادی می‌شوند. یکی از تحولات

دانشجوی دکتری ادیان و عرفان واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران

*Email: msharfaei3700@stu.srbiau.ac.ir

دانشیار گروه ادیان و عرفان، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران

**Email: mahmoudi@srbiau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۱

مهمی که در سرزمین هند به ویژه در دوره کلاسیک به وجود آمد، تأسیس امپراتوری گوپتا (۳۲۰-۵۰۰ م) در شمال هند بود که البته تاپار اوایل حدود ۶۰۶ میلادی را پایان این امپراتوری ذکر کرده است (Thapar, 1990: 1/ 102- 107). به هر حال دامنه نفوذ این امپراطوری تا جنوب هند را در بر گرفت. در این عصر آیین هندو اصلی ترین سنت دینی جنوب آسیا بود. تأسیس معابد بزرگ در مراکز شهری و نگارش تفاسیری بر متون دینی و رواج مکاتب پیچیده طالع بینی و نجوم از ویژگی های این دوره است. رواج خداباوری و غلبه آن بر آیین های عمومی و اعمال زاهدانه را می توان از دیگر ویژگی های این دوره برشمرد. حتی خدایان محلی نیز به خدایانی اصلی مبدل گردیده و پس از مدتی با خدای برهمن یکی شدند. ایجاد نظام های باطنی همچون «تنتریانه» (Tantrism) که محصول ادغام خداباوری با یوگا بود به این دوره مربوط می شود (Shattuck, 2003: 41). حاصل تحولات این دوره، بخش عظیمی از ادبیات دینی به نام «ادبیات پورانه ای» است که البته درباره استناد این متون به این دوره میان محققان اختلاف نظر وجود دارد.

۱-۱- بیان مسأله و سوالات تحقیق

مهم ترین مسأله این نوشتار در وهله اول تبیین جایگاه ادبیات پورانه ای در ادبیات دینی هندو است و اینکه چه ارتباطی میان آنها با سایر متون و مکاتب هندو وجود دارد. نظر به ادعای پورانه ها مبنی بر وحیانی بودن شان، آیا می توان آنها را به قدمت خود و دها دانست؟

۱-۲- اهداف تحقیق

از آنجایی که این متون در تحقیقات دین شناسی در ایران چندان مورد توجه نبوده اند، نوشتار حاضر می تواند آغازی برای مطالعه و پژوهش در بخشی از متون هندو باشد که بخش عمده ای از دین و فرهنگ عامه هندو را در بر می گیرند. نوشتار حاضر می کوشد که علاوه بر بحث های واژه-شناختی، مهم ترین دیدگاه ها درباره تألیف پورانه ها، تعداد، جایگاه آنها در تفکر هندویی و ارتباط شان با سایر متون و مکاتب هندو و سیر مطالعات درباره آنها را از نظر بگذارند.

۱-۳- روش تحقیق

در این مقاله برای بررسی موضوع مورد نظر، از روش تاریخی در مطالعات دین پژوهی استفاده شده است.

۱-۴- پیشینه تحقیق

تاکنون درباره ادبیات پورانه‌ای نوشته‌ای مستقل، چه به صورت کتاب یا مقاله به زبان فارسی نگاشته نشده است اما به زبان انگلیسی افزون بر مقاله‌های مختصری که در دایرة المعارف‌های دین، دین و اخلاق، دایرة المعارف پورانه‌ای، دین هندو در معرفی پورانه‌ها نوشته شده، در جلد دوم کتاب تاریخ ادبیات هند (*A History of Indian Literature: The Puranas*) اثر لودو راجر، به طور مستقل ادبیات پورانه‌ای معرفی گردیده است و این کتاب جزو منابع مهم برای معرفی و شناخت متون پورانه‌ای به حساب می‌آید.

۲- معرفی ادبیات پورانه‌ای

۲-۱- واژه‌شناسی

«پورانه» واژه‌ای سنسکریت و در لغت به معنی «کهنه» (Old)، «اولیه» (Primeval) و «باستان» (Ancient) است. یکی از محققان زبان سنسکریت به نام رانگاچاریه (Rangācārya)، بر آن است که اصطلاح پورانه از ریشه، «پورا» (Purā) یعنی «قدیمی» و «نَو» (Nava) به معنی «جدید» گرفته شده و در اصطلاح به معنی چیزهایی است که اگرچه مربوط به ادوار کهن‌اند، اما آنقدر خوب هستند که هنوز هم جدید بوده و کاربرد دارند (Mani, 1975: 617; Kloetzli, 2010: 585; Bailey, 2010: 635). به گفته برخی، این واژه به معنای داستان‌های باستانی، قدیم، نام ریشی، متعلق به گذشته یا زمان باستان و نام عمومی یک رشته از ادبیات مقدس و قدیم هندو است، از همین روی، حکایات و قصص باستانی را پورانه خوانده‌اند (تاراجند و جلالی نائینی، ۱۳۰۴: ۵۰۸). پورانه‌ها -خود- این واژه را اینگونه توصیف کرده‌اند: «آنچه از زمان‌های باستانی زیسته است» (Vā. P. 1. 123) یا آنچه گزارش‌هایی از رخداد‌های باستانی است (MtP. 63. 53). ظاهراً واژه «پورانه» در متون سنسکریت اولیه به صورت صفت به کار رفته و در بیشتر موارد به مشخصه اصلی آنها یعنی باستانی و قدیمی بودن متون اشاره دارد. اصلی‌ترین ویژگی پورانه‌ها این است که تا دوره معاصر ادامه یافته و در عین کهنگی، جدید و جوان هستند. در ریگ-ودا هر زمان که وقایع گذشته از نو بیان می‌شود به اصطلاح پورانه اشاره شده و گفته شده است که این متون به وسیله قدرت‌های فراطبیعی و یا نظام کیهانی مقرر شده‌اند (Coburn, 1980: 343).

۲-۲- تعداد پورانه‌ها

ادبیات پورانه‌ای در نگاه کلی شامل دو بخش اصلی است که هر کدام مشتمل بر پورانه‌های

متعددی است: ۱. مهاپورانه‌ها یا پورانه‌های بزرگ ۲. اویه پورانه‌ها یا پورانه‌های کوچکتر. اصطلاح مهاپورانه که برای ۱۸ پورانه اصلی به کار می‌رود مربوط به دوره متأخر بوده و تنها در بهاویشیه پورانه بکار رفته است. بر طبق سنت، تعداد پورانه‌ها از ۱ به ۶، سپس ۴ پورانه و در نهایت به ۱۸ پورانه تحول یافت. در ابتدا یک پورانه مشتمل بر ۱۰ میلیون آیه در جهان خدایان وجود داشت. چون انسانها توانایی درک آن را نداشتند ویشنو به شکل ماهی که به صورت ویاسه سخن می‌گفت ظاهر شده و آنها را در ۴۰۰ هزار بیت خلاصه کرد (Rocher, 1986: 2/ 48).

به نظر می‌رسد ارتباط عدد ۱۸ شاید نماد ارتباط پورانه‌ها با مهابهارتیه باشد؛ چرا که دقیقاً برابر با ۱۸ پرون (Parvans) در مهابهارتیه، ۱۸ بخش بهگودگیتا، ۱۸ روز جنگ مهابهارتیه و ۱۸ ارتش جنگجوی این جنگ می‌باشد. استفاده از واحد شلوکه در شمارش آیات مهابهارتیه و پورانه‌ها، وجود "ویاسه" به عنوان مولف هر دو آنها از شباهت این متون به شمار می‌آیند (Matchett, 2003: 134). بر طبق بهاویشیه پورانه تعداد پورانه‌ها هجده تا هستند که عبارتند از: برهما (۱۰۰۰۰ آیه)، پدمه (۵۵۰۰۰)، ویشنو (۲۳۰۰۰)، وایو (۲۴۰۰۰)، بهاگوتیه (۱۸۰۰۰)، نارده (۲۵۰۰۰)، مارکندییه (۹۰۰۰)، اگنی (۱۰۵۰۰)، بهاویشییه (۱۴۵۰۰)، برهماویورتیه (۱۸۰۰۰)، لینگه (۱۱۰۰۰)، وراهه (۲۴۰۰۰)، اسکنده (۸۱۰۰۰)، وامنه (۱۰۰۰۰)، کورمه (۱۷۰۰۰)، متسیه (۱۴۰۰۰)، گروده (۱۹۰۰۰)، برهمانده (۱۲۰۰۰) (Pargiter, 1919: 10/447-448).

ویشنو پورانه (3.6) و متسیه پورانه (53- 13- 53)، وایو را حذف و به جای آن شیوه پورانه را افزوده‌اند (Pargiter, 1919: 10/447-448). درباره اختلاف شیوه و وایو، در اسکنده پورانه گفته شده که آنها دو اسم برای یک پورانه بوده‌اند. از این رو، گاهی اسم یکی از آن دو حذف می‌شود. شاید علت این اغتشاش، بخش‌هایی از شیوه پورانه است که «وایوویه سمهیتا» نام دارد (Matchett, 2003: 133). از طرفی برخی برآنند علت حذف وایو این است که وایو و برهمانده پورانه شبیه هم‌اند، به همین دلیل به جای وایو، برهمانده ذکر می‌شود. نکته قابل توجه اینکه کورمه پورانه (1.1.15) برهمانده را «وایه ویه» خوانده است. محققان چنین نتیجه گرفته‌اند که وایو و برهمانده از اساس یکی بوده‌اند، اما بعدها به دو متن مجزا تقسیم شده‌اند (Rocher, 1986: 2/33). به منظور توازن در فهرست هجده پورانه گاهی شیوه و گاهی وامنه حذف می‌شوند که در مجموع می‌توان تعداد پورانه‌ها را ۱۸ پورانه دانست (Pargiter: 1919:10/ 448). در کنار این ۱۹ پورانه (البته با احتساب پورانه حذف شده) متن دیگری به نام هری وشمه (Harivamśa) وجود دارد که تکمله‌ای بر مهابهارتیه بوده و محتوایش بیشتر به متون پورانه‌ای شبیه است تا متون

حماسی (Matchett, 2003: 133). شاید بتوان گفت که اهمیت پورانه‌ها بیشتر به خاطر جنبه دایره المعارف گونه آنهاست که همه جنبه های تاریخ، تمدن و فرهنگ هندویی را منعکس کرده است. آنها نه تنها در موارد گفته شده بلکه در شریعت نیز از اهمیت فراوانی برخوردارند. بنا به جمله معروفی «شروتی و سمریتی چشمان شریعت و پورانه ها قلب آن هستند» و پورانه‌ها در کنار دو مجموعه عظیم حماسی مهابهارته و راماینه، ادبیات تاریخی- سنتی را تشکیل می- دهند (Klostermaier, 1998: 47).

۲-۳- زبان پورانه‌ها

پورانه‌ها علاوه بر زبان سنسکریت به زبان‌های دیگر همچون تامیلی و نیز تعدادی از زبان‌های بومی نوشته شده‌اند. از نظر سبک غالباً به نظم‌اند، گرچه برخی از آنها نیز به نثر بیان شده‌اند. این متون به صورت خطابه‌هایی هستند که از سوی برخی افراد برای یک یا گروهی از شنوندگان قرائت می‌شدند. موضوعات مطرح شده در این آثار غالباً به صورت پرسش و پاسخ است. همچنین در ضمن این خطابه‌ها، روایت‌ها و داستان‌هایی از قول اشخاص دیگر نقل می‌شود. همین امر سبب شده است که از نظر پیوستگی وقایع تاریخی دارای اشتباه و ناپیوستگی باشند (Pargiter, 1919: 10/448). محققان برآنند اگرچه پورانه‌ها به وسیله برهمنان ویرایش شده‌اند، اما بیش از همه تمایلات مربوط به طبقه کشتریه را منعکس کرده‌اند. با وجود این، تاثیر زبان پراکریت و لهجه‌های عامه بر قواعد گرامر آنها نشان از وجود مولفانی از طبقات مختلف (همانند محافل کشاورزی و...) دارد. اما در بین آنها متونی نیز هستند که کاملاً رنگ و بوی برهمنی دارند که می‌توان از کتاب بهاگوته پورانه یاد کرد. این اثر که به سبکی کهن نگاشته شده، می‌کوشد تا جنبش بهکتی و افسانه کریشنا را رنگی برهمنی دهد (Conio, 1987: 12/86-89).

۲-۴- پورانه‌ها: متون شروتی (و حیانی) یا (سمریتی) انسانی؟

۲-۴-۱- سراینندگان

هنگامی که بحث درباره سراینندگان پورانه‌ها به میان می‌آید، دیدگاه‌های مختلفی ابراز می‌شود. یک نظریه بر آن است که پورانه‌ها دارای منشأیی الوهی و وحیانی‌اند، اما به وسیله انسان‌ها روایت شده‌اند و بر طبق نظریه دیگر، تالیف آنها به انسان‌ها نسبت داده شده است. هنگامی که از ریگ ودا فراتر می‌رویم با دو کاربرد پورانه به صورت اسم و قید روبه‌رو می‌شویم که در این متون به ۲ سنت درباره منشأ پورانه‌ها یعنی الهی بودن و بشری بودن آنها اشاره دارد (Coburn, 1980: 343). بر طبق دیدگاه الهی بودن پورانه‌ها، این متون از دهان خدایانی همچون وایو و شیوه بیان شده و هر

کس از پورانه‌ها اطلاع نداشته باشد خردمند نیست (Pargiter, 1919: 10/ 448). به همین دلیل در برخی موارد به ویژه خود پورانه‌ها ایده شروتی یا وحیانی بودن این متون مطرح شده است. البته پورانه با همان معنای کهن بودن در *تهروه‌ودا* (11. 7. 24) و *شته‌پته برهمنه* (13. 4.3.13) و دیگر متون شروتی بکار رفته است. اصطلاح پورانه ارتباط نزدیکی با ایتی‌هاسه دارد که در خود ایتی‌هاسه نیز به معنی روایت کهن است (Conio, 1987: 12/ 86-89). پورانه‌ها احتمالاً دسته‌ای از ادبیات هندویی بوده‌اند که در دوره‌ی ودایی وجود داشته و شأنی همسنگ *برهمنه‌ها* داشته‌اند (Tagare, *Introduction to Vayu Purana*, 1/17). بر طبق *اوپنیشدها* به ویژه *چاندوگیه‌اوپنیشدها*، پورانه‌ها جزو ایتی‌هاسه بوده و ودای پنجم را تشکیل می‌دهد و خلاصه‌ای از وداها محسوب می‌شدند که این نظریه در خود پورانه‌ها نیز آمده است تا جایی که خود را همسنگ *وداها* دانسته‌اند. چنانکه در *وایو پورانه* آمده است: «آنها ودا سمهیتا هستند» (Pargiter, 1919: 10/ 488). بر مبنای متون سمریتی پورانه‌ها تفسیرهایی بر وداها بوده‌اند (Conio, 1987: 10/ 488). از این رو، نظر غالب بر این است که آنها جزو ادبیات سمریتی هستند. از آنجایی که پورانه‌ها متون دایره‌المعارف گونه و آمیخته از افسانه‌ها و اساطیرند، و قدمتشان به دوره‌ی ودایی برمی‌گردد، به احتمال زیاد مبتنی بر سنت شفاهی بوده‌اند که به وسیله‌ی نقل‌ها (سوت‌ها) قرائت می‌شدند و بعدها به صورت نسخه‌های مکتوب درآمدند. همچنین برخی آنها را حاصل روایاتی دانسته‌اند که در مراسم یجنه یا قربانی خوانده می‌شدند. مراسم یجنه آیین طولانی بود که شرکت کنندگان آن بیشتر تماشاکننده بوده و معمولاً برای سرگرم کردن آنها رامشگرانی وجود داشت که داستان‌هایی را نقل می‌کردند که بعدها در پورانه‌ها ادغام شدند. حتی اگر این ادعا را که پورانه‌ها مربوط به عصر ودایی‌اند بپذیریم، باید گفت به احتمال زیاد این متون در قرن‌های بعدی تغییر و تحول یافته و چیزهایی دیگر به آنها اضافه شده است. به گفته‌ی برخی دوره‌ی گوپتا همزمان با دوره‌ی کلاسیک آیین هندو است که در آنها زبان سنسکریت به عنوان زبان حکومتی و زبان فرهنگ و تمدن مردم هند شناخته شد. از دیدگاه او، پورانه‌های کنونی حجمی بزرگ از متون ادبی هستند که بازنویسی و ویرایش متون هندویی و برهمنی باستان بوده‌اند که تحت نظر امپراتوری گوپتا نگاشته شده‌اند. نکته قابل توجه اینکه این بازنویسی در بین سال‌های ۲۰۰-۴۰۰ م و در طول دوره‌ی تأثیر علوم بابلی در هند انجام گرفته است (Klostermaier, 1998: 48; Baily, 2010: 635-636).

بر طبق سنت پورانه‌ای در آغاز اولین پورانه که حدود یک بیلیون بیت (Śloka) از دهان خدای برهما سروده شد (Vā.P.1. 6۰). سپس فردی به نام ویاسه ابیات مذکور را در ۴۰۰ هزار بیت خلاصه و آنها را به هجده پورانه تقسیم کرد (Pargiter, 2010: 10/ 488; Coburn, 1980: 344). بر طبق روایتی، برخی پورانه‌ها پس از جنگ بزرگ بهاراته به وسیله ریشی‌ها در جنگل نیمیشه (Naimiśa) سروده شده‌اند. سه پورانه ویشنو، مارکندییه و وامنه به وسیله پراشیره (Prāśra)، و بر طبق روایتی مارکندییه و بهاگوته به وسیله شاگرد ویاسه یعنی سومنتو (Sumantu) برای پسر جَمَجِیه (Janamejaya) پادشاه شَنَنیکه (Śatanika) سرود شده‌اند. داستان‌های پورانه‌ها به صورت گفتگو میان گوینده اصلی و شنونده بوده و در قالب گفتگوهای میان شخصیت‌های کهن ادامه می‌یابند. معمولاً لومهرشنه (Lomharshana) و فرزندش یوگرچروس (Ugaračarvas) راوی داستانها هستند. اولی ملقب به سوتّه و دومی سوتی است که هر دو به طبقه شتریه تعلق داشته‌اند. سوتّه‌ها در بین طبقه برهمنی، جلوداران و خنیاگران سلطنتی بوده و مهار اسبان را نگه می‌داشتند. بر طبق سنت پورانه‌ای، سوتّه‌ها برای ستایش شاهزادگان زاده شده و وظیفه‌شان مراقبت از سنت‌های افسانه‌ای و تاریخی بود. با وجود این، سوتّه‌ها چندان برای ودّها اهمیت قائل نبودند. در زمان‌های بعد، سوتّه‌ها ارباب‌ران پادشاه برگزیده شده و به سان طبقه بالاتر آموزش دیده و به سنسکریت سخن می‌گفتند، در حالی که شخصیت‌های طبقات پست تر به لهجه پراکریت صحبت می‌کردند. ظاهراً سوتّه‌ها حاصل ازدواج پدری از طبقه شتریه و مادری از طبقه برهمنی بودند به همین خاطر گاهی او را یک برهمن و گاهی از طبقه شتریه می‌دانستند. آنچه مسلم است، اینکه سوتّه‌ها حاصل اختلاط دو طبقه یاد شده بودند، از این رو برای آنها هم وظایف برهمنی و وظایف شتریه‌ها ذکر شده است (Rocher, 1986: 2/ 53-56). براساس پورانه‌های برهمانده (4.6) و ایو (Vol. 1, ch. 60)، ویشنو (3. 4. 6) و بهاگوته (12. 7. 4-7) ریشی بزرگ کریشنا دوپایانه (Kṛṣṇa Dvaipāyana) ودّها را به ۴ قسمت تقسیم کرد. به همین خاطر او را ویاسه (Vyāsa) یعنی «مرتب کننده» نامیدند. او در پایان عصر دواپره یوگا همزمان با جنگ بزرگ بهاراته زندگی می‌کرد. سپس به هر یک از چهار شاگردش که همگی از برهمنان بود یکی از ودّها را سپرد، پیلا معلم ریگ‌ودّ، ویشمپاینه (Vaiśampayana) معلم یجورودّ، جیمینی معلم سامه‌ودّ و سومنتو معلم اتهرودّ شدند. سپس خود وی با استفاده از داستان‌ها، حکایت‌ها و سرودهای کهن، پورانه سمهیتا را تالیف کرد و آن را به شاگرد پنجمش سوتّه یا رومهرشنه یا لومهرشنه تعلیم داد. ویاسه پس از مدتی مه‌بهارته را سرود و هر دو آنها را به شاگردش رومهرشنه تعلیم داد.

رومهرشنه پورانه‌ها را به شش قسمت تقسیم کرد و آن را به شش شاگردش آموزش داد که تعالیم او به سه شاگرد آخری‌اش به سه مجموعه مبدل شد. این مجموعه رومهرشنیکا نامیده شد. پورانه بوجود آمده به وسیله ویاسه و سه شاگرد آخری‌اش، ۴ مجموعه اصلی پورانه را تشکیل می‌دهد که سمیهتاهای اصل (*Root-Samhitās*) نامیده می‌شوند. از نظر برخی این گزارش درباره پیدایش پورانه‌ها غیر واقعی است (Pargiter, 1919: 10/ 448).

درباره اینکه پورانه‌ها دارای منشأ انسانی باشند نیز شواهدی در متون متقدم وجود دارد. چنانکه واژه پورانه هم به صورت مفرد و هم مرکب در متون ودایی آمده است. در یجنه ولکیه سمریتی، پورانه و ایتی‌هاسه به صورت جمع آمده‌اند. در تیتیریه/اوپنیشد به هر دو صورت ذکر شده و در منوسمریتی فقط به صورت جمع آورده شده است. ظاهراً چنین استفاده‌ای از این اصطلاح به طبقات جداگانه‌ای از آثار اشاره داشته است. در نظر آنها، در مواردی که پورانه به صورت مفرد آمده، به یک پورانه ازلی اشاره ندارد بلکه بیشتر حالت قیدی دارد، یعنی پورانه در حالت مفردش به نوعی از ادبیات که همان ادبیات باستانی یا فرهنگ سنتی است، اشاره دارد. چنانکه خود سنت پورانه‌ای از ویاسه به عنوان مرتب کننده و ویراستار مطالب موجود پیشین سخن به میان آورده است. ویاسه کسی بود که معنای حقیقی فرهنگ پورانه‌ای را دریافت کرد و پورانه سمیهتا را از دل داستان‌ها و حوادث ادوار گذشته بیرون آورد و بعدها این تعلیمات سمیهتاها را که همان هجده پورانه اصلی بود طی فرآیندی که پیش از این ذکر شد به وجود آورد. از نظر کوبورن، علی‌رغم نظریات یاد شده، به سه دلیل بحث در مورد الوهی یا انسانی بودن پورانه‌ها کاری اشتباه است: ۱. پورانه‌های موجود، خواه گفتار برهما یا تعلیم و تألیف ویاسه باشند همان پورانه‌های اصلی نیستند. ۲. خود ویاسه چه اوتاره ویشنو باشد چه یک فرد فانی، با وجود این، پورانه‌ها به وسیله شاگردانش بازبینی شده‌اند. ۳. پورانه‌ها شرح حقیقت وداها هستند که در دروه‌های بعد به دلیل نیازی که به آنها احساس شد به وجود آمدند (Coburn, 1980: 344-346). علاوه بر مطالبی که درباره منبع پورانه‌ها چه از بُعد الهی یا سنت شفاهی ذکر شد، محققى به نام اس.ک.چاترجی با تحقیقاتی که درباره جاتکه‌ها انجام داده، بر آن است که منبع اصلی پورانه‌ها این متون بوده‌اند. از نظر او، داستان‌های پورانه‌ای در اصل به زبان پراکریت و دارای منشأ پیش آریایی بوده که با تحول افسانه کریشنا در بنگال مرتبط بوده‌اند (Bhattacharyya, 1996: 1/ 236- 237).

۲-۴-۲- تاریخ تألیف

درباره اینکه پورانه‌ها از چه زمانی نوشته شده و شکل کنونی خودشان را یافتند چیزی دانسته

نیست. برخی برآنند که آنها بعد از دوره حماسی به وجود آمده‌اند، اما از آنجایی که فاصله زمانی بین آنها زیاد است باید آنها را از یکدیگر مشخص کرد (تاراچند و جلالی نائینی، ۱۳۴۰: ۵۰۸). شکی نیست که پورانه‌ها از منبع واحدی سرچشمه گرفته‌اند. بر طبق دیدگاه سنتی، پورانه‌ها به عنوان شاخه‌ای از متون مقدس هندو حتی در روزگار *ودها* وجود داشته و به «ودای پنجم» معروف بودند. از نظر مکاتب ودایی، پس از اینکه *تهروودا* به عنوان ودای چهارم شناخته شد، پورانه‌هایی مطابق هر *ودا* به وجود آمد؛ برای نمونه *اگنی پورانه* برای *ریگ‌ودا*، *وایو* برای *یجورودا* و *سوریه* برای *سامه‌ودا* (Ibid, 236). آنچه پذیرفته شده، این است که این متون به عنوان منابع موثق حداقل در قرن ۳ ق. م وجود داشته و تا دو قرن بعد قرائت می‌شدند و در خوشبینانه‌ترین حالت نباید پیش‌تر از قرن ۴ قبل از میلاد به وجود آمده باشند (Pargiter, 1919: 10/ 454-455). بر طبق دیدگاه عده‌ای از محققان، با توجه با اینکه داستان‌های پورانه‌ای برآمده از سنت شفاهی بوده و به لهجه‌های بومی در میان مردمان رایج بوده‌اند، احتمالاً تاریخ تألیف آنها به صورت مکتوب بین سال‌های ۱۰۰ ق. م تا ۱۰۰۰ میلادی بوده است (Reinhart, 2004: 34). همچنین در مقایسه‌ای که به وسیله ویتتر میان متون مه‌ایانه بودایی و پورانه‌ها صورت گرفته، تاریخ تألیف این متون سده اول میلادی ذکر شده است (Conio, 1987: 12/ 86-87). ظاهراً *برهمانده* و متسیه جزو قدیمی‌ترین پورانه‌ها هستند و پورانه‌های *برهماویورته*، *شیوه*، *وامنه* و *به‌گوتیه* کمی متأخرترند و سایر پورانه‌ها در زمانی بین این دو نوشته شده‌اند، گرچه بخش زیادی از آنها قطعاً کهن نیستند اما محتوایی کهن دارند. برای نمونه *پورانه پدمه* جزو متون متأخر است، اما دارای محتوایی قدیمی است، تا حدی که با پورانه متسیه نزدیکی دارد و و نظر بر این است که برخی از داستان‌های این پورانه تغییر یافته حکایت‌های اخلاقی پنجه تتره و *هیتوپدیشه* (*Hitopadeśa*) است (Pargiter, 1919: 10/ 455).

۲-۵- دسته‌بندی پورانه‌ها

نظر به فراوانی آثار پورانه‌ای، تقسیم‌بندی متفاوتی از این متون ارائه شده است. از این رو، کسانی همچون شستری پورانه‌ها را براساس محتوایشان در شش دسته جای داده‌اند. اما عده دیگری، با استناد به متسیه *پورانه* (68-69، 53) و به واسطه اینکه در پورانه‌ها به ستایش پنج ایزد *برهما*، *سوریه*، *اگنی*، *شیوه* و *ویشنو* پرداخته می‌شود آنها را در پنج دسته آورده‌اند که عبارتند از:

۱. پورانه‌های *برهما*: *برهما* و *پدمه پورانه*

۲. پورانه‌های *سوریه*: *برهماویورته* (*Brahmavaivarta*) *پورانه*

۳. پورانه‌های اگنی: اگنی پورانه

۴. پورانه‌های شیوه: شیوه، اسکنده، لینگه، کورمه، وامنه، وراهه، بهاویشیه، مارکندییه، متسیه، و برهمانده پورانه

۵. پورانه‌های ویشنو: ناردیه، بهاگوتیه، گروده و ویشنو پورانه (Rocher, 1986: 2/ 20-21; Bhattacharya, 1996: 1/ 233-234).

یکی از اصلی‌ترین تقسیم‌بندی پورانه‌ها، دسته‌بندی سه‌گانه‌ای است که بر طبق آن، در هر دسته ۶ پورانه جای دارند. این دسته‌بندی براساس موضوع پورانه‌ها و تعلیماتشان و پرستش سه خدای برهما، ویشنو و شیوه و کیفیت‌های وجودی آنها یعنی سه کیفیت روشنایی و خوبی، تندی و شدت، و تاریکی و جهل انجام می‌گیرد که عبارتند از: پورانه ای ساتویکه، راجسیکه و تامسیکه. پورانه‌های ویشنو، ناردیه، بهاگوتیه، گروده، پامه و وراهه ستویکه‌اند، پورانه‌های متسیه، کورمه، لینگه، شیوه، اگنی و اسکنده تامسیکه و پورانه‌های برهمانده، برهماویورته، مارکندییه، برهما، وامنه و بهاویشیه راجسیکه هستند. پورانه وایو به دلیل شباهتی که با برهمانده پورانه دارد در دسته راجسیکه قرار دارد (Pargiter, 1919: 10/451; Rocher, 1986: 2/19-20; Tagare, 1987: 19-20). البته این تقسیم بندی نیز مورد انتقاد قرار گرفته تا جایی که برخی آن را ساختگی دانسته‌اند؛ چرا که به نظر ایشان، پورانه‌ها بیش از هر چیز فضائل دو خدای ویشنو و شیوه و سایر خدایان را ستوده و تنها اشاره اندکی به خدای برهما داشته‌اند (Tagare, 1987: 19-21). از نظر روسن، در پورانه‌ها خدایان دارای وحدت و سلسله مراتب‌اند و تنها حکما قادرند که آن را درک کنند. به تعبیری نوعی همه خدایی در این متون وجود دارد و چنین تقسیم‌بندی‌هایی بیش از همه برخاسته از تعصبات فرقه‌ای هندوها بوده است (Conio, 1987: 12/ 89; Rocher, Rosen, 2006: 142; Matchett, 2003: 138).

مطابق دسته بندی دیگری که بر مبنای داستان‌های پورانه‌ای صورت گرفته، عده‌ای پورانه‌ها را شامل دو دسته دانسته‌اند: ۱. متونی که احتمالاً متعلق به طبقه شتریه بوده و به وسیله آنها و بر اساس دیدگاه خاندان‌های سلطنتی و طبقه نظامی سروده شده‌اند که اغلب قدیمی هستند. ۲. گروه دوم به طبقه برهمنان اختصاص داشته و اختلاف این دو دسته دقیقاً شبیه داستان‌های مربوط به سلحشوران و افسانه‌های قدیسان است؛ چرا که در داستان‌های پورانه‌هایی که مربوط به طبقه

برهمنان‌اند به ندرت به داستان‌های قهرمانان حماسی اشاره شده و تنها چکیده‌ای از داستان‌های آنها در آگنی، پدمه و گروه پورانه آمده است (Pargiter, 1919: 10/ 450).

۲-۶- محتوا

سخن درباره محتوای پورانه‌ها به سان سایر موضوعات مرتبط با آنها کمی دشوار است؛ زیرا سنت پورانه‌ای از یک طرف و نگاه محققان به این متن‌ها سبب شده است که نظریات مختلفی درباره محتوای آنها بیان شود. برطبق سنت پورانه‌ای به ویژه *وایو پورانه*، پورانه‌ها به پنج چیز (پنجه لکشنه) (*Pañcalakṣaṇa*) می‌پردازند: ۱. سرگه (*Sarga*) یا خلقت جهان، ۲. پرتی سرگه (*Paratisarga*) یا باززایی جهان و انحلال آن در پایان هر کله یا روز برهما، ۳. ونشه (*Vamśa*) یا تبارشناسی خدایان، ریشی‌ها، فرزنانگان و پادشاهان، ۴. منونتره‌ها (*Manvanrtas*) یا چرخه‌های کیهانی که هر کدام به وسیله یک منو که نیای نخستین بشر هستند، اداره می‌شوند، ۵. ونشانوچریته (*Vamśānucarita*) یا شرح حال خاندان سلطنتی که در طول چهار یوگه بر زمین حکومت کرده و آن را به صورت عصری بزرگ درآورده‌اند (-Wilson, 1840: 4; Dange, 1986: 4/ 1135; Rapson, 1922: 1/ 296; Coburn, 2003: 341-5; Vā. P. 4. 10. همچنین نک: 342). به لحاظ تاریخی اولین متنی که این ویژگی پورانه‌ها را مورد توجه قرار داد، کتاب *امرگوشه* مربوط به قرن ۵ میلادی است که عبارت «پورانم پنجه لکشتم» (*Puranam Pañcalakṣaṇam*) را درباره آنها بکاربرده است (Coburn, 2003: 341; Rocher, 1986: 2/ 24). در بهاگوتیه پورانه تصویر دیگری از پورانه‌ها ارائه شده، به گونه‌ای که پورانه‌ها را مشتمل بر ۱۰ جزء و موضوع دانسته و که ظاهراً این تغییر فهرست از ۵ تا به ۱۰ تا متأثر از تفکر ویشنویی بوده است (Rocher, 1986: 2/ 25-29; Tagare, *Introduction to Bhagavata...*, 1987: 22-23). برخی این دیدگاه را قبول نداشته بلکه برآنند از مجموع ۴۰۰ هزار آیه پورانه‌ها کمتر از سه درصد یعنی چیزی حدود ۱۰۸۰۰ آیه مربوط به موارد بالاست و ۹۷ درصد دیگر مطالب ناهمگن و با محتوای متفاوت را در برمی‌گیرد (Coburn, 2003: 342). علاوه بر موارد ذکر شده، در پورانه‌ها مطالبی درباره ستاره‌شناسی، جغرافیا، طب، بهداشت، صنعت و اسلحه سازی و هر آنچه که بشر در گذراندن زندگی دنیوی خود بدان نیازمند است، گنجانده شده است (ایمانی، ۱۳۸۹: ۱۷۱). البته با فرض پذیرفتن این دیدگاه، در بین پورانه‌ها تنها محتوای پورانه‌هایی همچون *برهمانده*، *متسیه*، *وایو* و *ویشنو* بیشترین سازگاری را با پنجه لکشنه دارند (Lipner, 2005: 121). برخی نیز برآنند که پورانه‌ها چیزی فراتر از ۵ موضوع هستند، همچنین آنها دربردارنده گزارش‌هایی درباره پرستش

خدایان، باورهای دینی، اعمال عبادی، فلسفه، امور فردی، اجتماعی، سیاسی و موارد دیگری هستند. آنها برخلاف متون برهمنی با آیین قربانی میانه‌ای نداشته و بیشتر به صورت شرحی عامیانه و کلی از امور مختلف می‌باشند که می‌توان اموری همچون زیارت اماکن مقدس و رودخانه‌ها و معابد و پرستش تمثال‌ها و الهه‌های زن را که همگی مربوط به هندوئیسم متأخر هستند در آنها پیدا کرد (Pargiter, 1919: 10/ 447; Lipner, 2005: 123). عده‌ای نیز برآنند که تمایل اصلی پورانه‌ها بر این بوده است که به جای وقایع نگاری خاندان‌های سلطنتی، افسانه‌هایی مربوط به اماکن مقدس و سرودهایی در ستایش خدایان بیاورند (Rapson, 1922: 1/229). آنها در آغاز متعلق به طبقه شتریه‌ها بوده و بعدها به برهمنان منتقل شدند و علی‌رغم تغییرهای پیش آمده برخی از مضامین و اصطلاحات آنها همچنان برجای مانده و ظاهراً مهم‌ترین هدف پورانه‌ها از آوردن شرح احوال بزرگان، بیان مسائل اخلاقی و تهذیب اخلاق فردی بوده است (Rapson, 1922: 1/ 297).

طبق نظریه دیگری، با توجه به اینکه بین طبقه‌های مختلف ادبیات پورانه‌ای تمایز وجود دارد نباید این تمایزها را نادیده گرفت. محققى به نام کنه (Kane) این تفاوت‌ها را در چهار مورد ذکر کرده که بیشتر ناظر به محتوای آنهاست: ۱. پورانه‌هایی که دایره المعارف‌گونه‌اند مانند آگنی، گروه و ناره، ۲. پورانه‌هایی که عمدتاً با مکان‌های مقدس (Trithas) سر و کار دارند، ۳. پورانه‌هایی که متعلق به فرقه‌های هندو هستند همانند لینگه، وامنه و مارکندییه، ۴. پورانه‌های تاریخی، مانند وایو و برهمانده (Rocher, 1986: 2/ 78-79). البته این دسته بندی چندان نمی‌تواند مورد توجه باشد؛ چراکه در آن سخنی از پورانه‌های مهم ویشنو و بهاگوتیه نیامده که هر دو از متون فلسفی و شهودی هستند.

شاید بتوان گفت اصلی‌ترین موضوع پورانه‌ها علاوه بر موارد فوق الذکر، ستایش خدایان ویشنو و شیوه در اشکال مختلف آنهاست. به تعبیری، پورانه‌ها با توجه به اینکه جزو متون مقدس صورت‌های متأخر هندوئیسم هستند، اما به سبب اینکه در برخی موارد با وداها و براهمنه‌ها قرابت دارند، با دوره کهن برهمنی نیز مرتبطند. با وجود تحریف‌ها و تغییرهایی که در پورانه‌ها صورت گرفته، این متون خودشان را با حیات دینی و اجتماعی مردم هند سازگار کرده‌اند، به همین دلیل در طی نسل‌های مختلف مورد بازبینی و ویرایش قرار گرفته‌اند (Rapson, 1922: 1/ 298). بر همین مبنا یکی از جنبش‌هایی که در دین هندوئی پی‌دیده آمد جنبشی به نام بهکتی بود که بیش از همه بر عبادت عاشقانه یک خدا، عموماً ویشنو تأکید می‌کرد. این مکتب گرچه سندیت وداها را منکر نبود،

با وجود این، با آیین‌ها و تفکر ودایی اختلاف‌هایی داشت. به طور کلی متون پورانه‌ای، بهکتی را بهترین راه برای نیل به اتحاد با خداوند (خواه برهما یا ویشنو یا شیوه یا رامایا کریشنا) دانسته‌اند (Conio, 1987: 12/ 86-89). تمرکز و تأکید بر خدای واحد بیش از همه در ویشنو و بهاگوت پورانه مطرح است، به گونه‌ای که در آنها ویشنو تا مرتبه خداوند متعالی جهان بالا می‌رود. البته این مسأله درباره‌ی خدای شیوه نیز در برهما، ویورته و لینگه پورانه تکرار شده است. برخی پورانه‌ها نیز بر پرستش خدایانی همچون سوریه، گنشه و دوی تأکید کرده و دیگر پورانه‌ها از قبیل وامنه و کورمه از روی اوتاره‌های ویشنو نام‌گذاری شده‌اند و به هر دو خدای ویشنو و شیوه به طور مساوی توجه کرده‌اند (Baily, 2010: 636- 637; Conio, 1987: 12/ 88-89).

۲-۶- پورانه‌ها و متون دینی هندو

۲-۶-۱- پورانه‌ها و وداها

در بین محققان درباره ارتباط پورانه‌ها با متون دینی هندو اختلاف نظر وجود دارد. برخی همانند مکس مولر، هرگونه ارتباط یا شباهتی میان پورانه‌ها و وداها را منکرند. برخی دیگر این متون را تا حدی با یکدیگر مرتبط می‌دانند. دیدگاه اصلی بر آن است که پورانه‌ها هرگز از وداها جدا نیستند، به طوری که پورانه‌ها تداوم عقلی وداها بوده و در تفسیر و فهم آنها ضروری‌اند و حقیقت ودایی را بیان می‌کنند. البته چنین برداشتی مستلزم این است که پورانه‌ها را بسط و تحول وداها بدانیم که به وسیله کسانی که قادر به فهم وداها نبوده‌اند به وجود آمده و به نوعی تکمیل‌های بر وداها بوده‌اند، از این رو، پورانه‌ها «ودای پنجم» نامیده شدند (Rocher, 1986: 2/ 15-18).

با مقایسه پورانه‌ها و متن ودایی به اسم «*Brahdhevātā*» منسوب به شئونکه (Shaunaka) که در آن فهرستی از خدایان ریگ ودایی پرستش می‌شوند، شباهت‌هایی بین آن دو وجود دارد (Winternitz, 1995: 1/ 267). علاوه بر آن، در تفاسیری که برخی متفکران هندو نوشته‌اند به کرات به پورانه‌ها ارجاع داده‌اند. برای نمونه ویجنانه بهیکشو نقل قول‌های فراوانی از پورانه‌ها می‌آورد. هنگامی که در آثار بزرگان مکتب ودانته همچون رامانوجه، مدوه، ولبهه، جیوه گوسومی و غیره دقت نماییم دیده می‌شود که همگی اشاره‌هایی به پورانه‌ها داشته‌اند. حتی به احتمال فراوان ایده‌های فلسفی /وپنیشدها و بره‌ماسوتره در سنت پورانه‌ای حفظ شده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که تفسیرشنکره از /وپنیشدها و بره‌ماسوتره حاصل اندیشه‌های نیمه رئالیستی است که پیش از آن در پورانه‌ها نمود یافته است (Dasgupta, 1952: 3/ 496).

۲-۶-۲- پورانه ها و متون حماسی

پورانه‌ها به همراه حماسه‌های بزرگ راماینه و مهابهارتیه نقش منحصر به فردی در امتزاج فرهنگی نژادها و قبایل و طوایف مختلف و فرقه‌های دینی هند باستان و قرون وسطی و معنویت بخشیدن به طبقات مختلف مردم هند ایفا کرده‌اند (Ibid, 120). بر طبق گفته ویلیام وارد، مهابهارتیه و راماینه در بین پورانه‌ها جای می‌گیرند؛ چرا که میان این متون و پورانه‌ها تفاوت اندکی از نظر شیوه تالیف و نقش آنها در تعلیمات اخلاقی و دینی مردم عامه هند وجود دارد. از طرفی اصطلاح ایتی‌هاسه پورانه به حماسه بزرگ اشاره دارد. مهابهارتیه همانند پورانه‌ها ویژگی دایره المعارف دارند، از این رو، مهابهارتیه جزوی از پورانه‌ها دانسته شده و اغلب به عنوان منبع پورانه به حساب می‌آید. گرچه میان راماینه و پورانه‌ها شباهت کمی وجود دارد، اما بررسی‌ها نشان داده است که داستان راماینه در پورانه‌های مختلفی همچون آگنی، بهاگوتیه، پدمه و ویشنو آمده است. علاوه بر این، میان پورانه‌ها و دهرمه شاستره‌ها نیز ارتباط نزدیکی وجود دارد، تا جایی که پورانه‌ها منبع دهرمه شاستره‌ها بوده‌اند؛ چرا که دهرمه شاستره نیز همانند پورانه‌ها به سه گروه ۶ تایی تقسیم می‌شوند و در تفاسیری که بر دهرمه شاستره نوشته شده، عباراتی از پورانه‌ها نقل شده است (Rocher, 1986: 2/ 81-88). در واقع، ارتباط و شباهتی که میان متون پورانه‌ای و حماسی وجود دارد خود شاهدی بر این است که پورانه‌ها مقارن با متون حماسی یا محصول قرون بعد از میلاد بوده‌اند.

۲-۷- پورانه‌ها و آیین‌های جینی و بودایی

پورانه‌ها در آیین‌های بودا و جین به صورت متون او‌دانه (Avadāna) موجودند و تقریباً حدود دو هزار سال ابزاری شفاهی جهت برقراری ارتباط و پیوند میان ابعاد مختلف فرهنگ هندویی از نخبگان گرفته تا بدنه اصلی جامعه بودند. در پورانه‌ها اشارت‌های مشترکی با متون بودایی به چشم می‌خورد. جاتکه‌های پالی غالباً مطالبی شبیه پورانه‌ها دارند. للیت ویشتره (Lalitavistara) خودش را یک پورانه می‌نامد و سبک آن موافق پورانه‌هاست. در ادبیات بودایی تنها یک اثر با عنوان پورانه وجود دارد. این اثر گفتگویی میان بودهیستوه جیشری (Jayaśri) و جیشری (Jinaśri) و مکالمه میان آشوکه و اپگوپته است که در آن، اپگوپته گفتگوی میان شاکیه‌مونی و میتریه را برای پادشاه روایت می‌کند (Rocher, 1986: 2/ 90-91). احتمالاً اطلاق عنوان پورانه به این آثار به واسطه سبک نگارش و تالیف این آثار است که حالت روایت گونه و پرسش و پاسخ دارند درست همانند پورانه‌ها.

گفتنی است که در بین جین‌ها نیز آثار فراوانی وجود دارد که عنوان پورانه دارند و به زبان‌های پراکریت، مهرشتری (Maharstri) (نام جایی در غرب هند)، آپبهرامشه (Apabhramśa)، (لهجه ای در شمال هند)، سنسکریت، کنده (زبان دراویدی‌ها که به وسیله مردم کنده در جنوب هند استفاده می‌شود) نوشته شده‌اند. فهرست همه پورانه‌های جینی مشهور مجموعاً حدود چند صد جلد می‌شود که تنها تعداد کمی از آنها در آیین جین اهمیت دارند. نکته قابل توجه اینکه این متون بر خلاف پورانه‌های اصلی که بیشتر مبتنی بر سنت شفاهی بوده‌اند، دارای نویسندگان و تاریخی مشخص هستند (Cort, 1993: 185). عده‌ای برآنند که لفظ پورانه در تفکر جینی، برای متون حماسی که عمدتاً به نظم بوده‌اند بکار می‌رود که می‌توان از هر یونشه پورانه نوشته جینسینه (Jinasena) نام برد. در این پورانه خلاصه‌ای از تاریخ، کیهان‌نگاری و اسطوره شناسی جینی، زندگی تیرتنکره‌ها، بینش جینی از داستان راما و کریشنا و جنگ بهاراته آمده است. روچر با مقایسه‌ای که میان پورانه‌های جینی انجام داده، برآن است که اولاً این متون با یکدیگر قابل مقایسه‌اند و ثانیاً این بررسی نشان می‌دهد که دین هندو و آداب و رسوم، انحرافی از آیین جین بوده‌اند (Rocher, 1986: 2/ 92-95; Cort, 1993: 186- 188).

در متون پورانه‌ای اشاره‌هایی به آیین بودا و جین شده است که حاکی از ارتباط متقابل این آیین هاست. در وایو پورانه، بودا لقب شیوه است، اما هنگامی که بودا سایه هری (Hari) نام دیگر خدای ویشنو) خوانده می‌شود به شاکیه مونی اشاره می‌شود. همچنین آمده است: «... مراکز مقدس ویشنو در لوتوس قلب قرار دارد، مرکز خورشید در ناحیه چشمان است و همه مراکز بودایی در سایه‌ها قرار دارند» (Vā.P. 42. 82). کاربرد اصطلاحاتی همانند نارکه و اوتپتیکه-ها (Autpttikas) که در طبقه بندی جیوه‌ها یافت می‌شود از جمله مواردی هستند که بیانگر ورود مفاهیم جین در پورانه‌ها هستند (Vā.P. 39. 189- 190). به گفته رادهاکریشنان، پورانه‌ها خود را به هیچ نظام مدرسی و فلسفی متعلق نمی‌دانند. آنها پایه خود را به تجربه همه فرزندگان، از فرزندگان ودایی گرفته تا قدیسان متأخر طریق‌های جنانه مارگه، بهکتی مارگه و کرمه مارگه استوار کرده‌اند. این متون کوشیده‌اند تا همه دیدگاه‌های مکاتب هندی از جمله غیر ثنوی‌ها، ثنوی‌ها، ثنویت و عدم ثنویت و حتی یوگه و سانکهییه و نیایه را با یکدیگر هماهنگ کنند (Radhakrishnan, 1952: 1/ 120).

۲-۸- پورانه‌ها، آیین و فرهنگ هندویی

اهمیت متون پورانه‌ای در حیات هندوها برخاسته از این حقیقت است که این متون وسیله‌ای جهت آموزش خویشکاری‌های عوام مردم در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و دینی چه در گذشته و چه در حال بوده‌اند. گرچه این متون به ویاسه نسبت داده شده‌اند، اما آنها درباره متافیزیکی سخن می‌گویند که بخشی از آن ریشه در گزارش‌های کیهان آفرینانه کهن دارد و بخشی دیگر متعلق به مکتب سانکهیبه است. برای نمونه، همانطور که ویلسون در مقدمه ویشنو پورانه اشاره می‌کند در بحث جهان‌شناسی پورانه‌ای، آموزه آفرینش عنصری از مکتب سانکهیبه گرفته شده و آموزه مایا و پانتییزم نیز به تأثیر از مکتب ودانته در این متون مطرح شده است (Wilson, 1840: 60). این متافیزیک به منابع مختلف و مجموعه وسیعی از اسطوره‌ها و افسانه‌ها تعلق دارد. بخشی از این کتاب‌ها درباره تضاد بین خدایابوری و خداناباوری سخن می‌گویند. به دلیل تمایلات فرقه‌ای در بین هندوها، از حدود قرن ۴ و ۵ ق.م مخالفت بین خدایابوری و خداناباوری به باور به خدایان سه‌گانه برهما، ویشنو و شیوه تبدیل شد و به واسطه تمایلات ذکر شده یک خدا به عنوان خدایی واحد و مطلق مطرح شد. که هر سه خویشکاری خلقت، حفظ و نابودی را بر عهده داشت (Conio, 1987: 12/ 86- 89).

ظاهراً بعدها داستان‌های پورانه‌ای به واسطه والدین طبقات فرا دست جامعه، وارد خانه‌های هندوها شدند و به مرور زمان در معابد مورد توجه قرار گرفتند و حتی در دوره معاصر در عرصه تولید فیلم‌های سینمایی و تلویزیون استفاده شدند. آنچه اهمیت دارد این است که فرهنگ پورانه‌ای وسیع‌ترین چیزی است که در مجموعه پورانه‌ها یافت می‌شوند (Baily, 2010: 635-636). همچنین به واسطه اطلاعات وسیعی که درباره خدایان سه‌گانه و ایزد بانوها و سایر خدایان در پورانه‌ها آمده که پیش از این حتی در ادبیات ودایی یافت نمی‌شود، پورانه‌ها آفرینشی دوباره در زمینه دین هندویی به شمار می‌آیند (Rosen, 2006: 140).

از طرفی وجود پورانه‌های شیوایی، ویشنویی و شکتایی بیانگر این است که هندوها از گرایش‌های فرقه‌ای دوره نبوده بلکه به واسطه این گرایش‌ها درصدد بد نام کردن عقاید و باورهای سایر فرقه‌ها بودند. این فرقه‌ها تنها بر پرستش خدایی خاص اصرار داشتند که دارای ویژگی نجات بخشی بود. در جامعه هند امروز نیز این متون بیش از سایر متون دیگر اثر گذارند. تا جایی که برای استفاده عموم مردم، به زبان‌های بومی متعددی ترجمه شده‌اند (Klostermaier, 1998: 149).

نکته قابل توجه اینکه پرستش شکتی در وهله اول بیش از همه در اوپه پورانه‌ها رایج‌تر است. این مسئله آنقدر در این متون به فراوانی آمده که به آنها پورانه‌های شکتی می‌گویند که مهمترین آنها عبارتند: دوی، دوی بهاگوته، کالیکا، مهاهاگوته. آموزه شکتی در برخی پورانه‌ها همانند بهاویشیوتیره (Bhaviśyottara) و بریهدهرمه (Brhaddharma) که جزو پورانه‌های شکتایی نیستند، نقش محوری دارد. جایگاه دوی و دورگه در این پورانه‌ها و نبرد آنها با دیوان قابل توجه است. در پورانه‌های اصلی نیز همانند بهاویشیه، لینگه و برخی دیگر از آموزه‌های شکتی سخن به میان آمده است. شایان ذکر است که نفوذ آیین تتره در مهاپورانه‌ها به ویژه بخش‌های مشخصی از اگنی، لینگه و شیوه و برهماویورته ذکر شده حاکی از تأثیر این متون از این آیین است (Rocher, 1986: 2/113-114). نظر به تحقیقاتی که اخیراً در زمینه خداشناسی و جهان‌شناسی پورانه‌ای انجام گرفته، شاید بتوان گفت گرچه پورانه‌ها در کلیات‌شان متونی دایره‌المعارف گونه‌اند، اما برخی از این پورانه‌ها همانند ویشنوپورانه در پس زبان اسطوره‌ای و مضامین تاریخی‌شان، دارای مضامین عمیق فلسفی است که می‌توان از دورن آنها مباحث عمیقی در زمینه هستی‌شناسی، جهان‌شناسی، خداشناسی و انسان‌شناسی بیرون کشید (بنگرید به شرفایی، ۱۳۹۵: بخش مربوط به جهان‌شناسی).

۲-۹- مطالعات پورانه‌ای

کمبود کتاب و نوشتجات به زبان فارسی درباره پورانه‌ها سبب شده است که محققان تصویر روشنی از این متون نداشته باشند و گمان کنند که این آثار چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند. با نگاهی به سنت احیای متون دینی عمدتاً شرقی، درمی‌یابیم که پورانه‌ها نیز به همراه سایر متون از قرن ۱۸ هجری ترجمه، تحقیق و بررسی شده‌اند.

در سال ۱۷۸۴م پنیدیت رادهاکانتسما (Penidit Radhākāntasama) در پاسخ به درخواست فردی پورانه‌ها را خلاصه کرد که بعدها مورد توجه ویلیام جونز (زبان‌شناس و خاورشناس انگلیسی ۱۷۴۶-۱۷۹۴ م) قرار گرفت. پس از مرگ ویلیام جونز در بین دست‌نوشته‌های او، گفتارهایی درباره جغرافیای هند براساس پورانه‌ها و ترجمه‌هایی از این متون یافت شد. شاید بتوان گفت برای نخستین بار این نویسندگان غربی بودند که پورانه‌ها را معرفی کردند. در فهرست نسخه‌های خطی کتاب خانه پاریس (۱۸۰۷م) برخی پورانه‌ها به همراه تحلیل آنها به وسیله الکساندر همیلتون آمده است. در ربع دوم قرن ۱۹ میلادی پورانه‌ها و جایگاه آنها در ادبیات سنسکریت از سوی فنس کندی (Vans Kennedy) و هوریس هیمن ویلسون (Horaca hayman Wilson) بررسی شد. کندی اولین محقق بود که در اثر تحقیقاتی خود به نام «درباره ماهیت و شباهت اساطیر هندویی و

عصر باستان» (چاپ شده در ۱۸۳۲م) یادداشت‌هایی درباره پورانه‌ها نگاشت. پس از او ویلسون با نگارش آثاری همچون «مقالاتی درباره ادبیات سنسکریت» (*Esseys on Sanskrit Litrature*) و ترجمه ویشنو پورانه و یادداشت‌های مفصلی بر آن (۱۸۴۰م) افق جدیدی در مطالعات پورانه‌ای از منظر تاریخی گشود. ترجمه بهاگوتیه پورانه به زبان فرانسوی همراه با مقدمه طولانی به وسیله یوجین برونوف بین سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۹۱ در پاریس، خدمت دیگر به مطالعات پورانه‌ای بود. در آغاز قرن بیستم وینتر نیز به همراه تنی چند، بخش‌هایی از پورانه‌ها را به همراه پانوشت‌های مفصل در سال ۱۹۲۷ میلادی منتشر کرد (Rocher, 1986: 2/ 2-5; Bhattacharyya, 1996: 1/ 231). دو تن از محققان آلمانی که به واسطه تحقیقات تاریخی و فلسفی‌شان درباره پورانه‌ها تحسین شده‌اند می‌توان از فردیش اِدِن پرگیتِر (Fredrich Eden Pargiter) و ویلیبالد کریفل (Willibald Krifel) نام برد اما مهم‌ترین مطالعات پورانه‌ای در سال ۱۹۵۵م در بنارس در دیپارتمان پورانه شروع شد و از سال ۱۹۵۹ یک ژورنال با عنوان «Puranam» به تحقیق درباره پورانه‌ها اختصاص یافت. مشکل عمده در مطالعات پورانه‌ای در مقایسه با شاخه‌های دیگر ادبیات سنسکریت، چاپ‌های مختلفی است که از پورانه‌ها صورت گرفته است، به طوری که در آغاز قرن بیستم و حتی قبل از آن تلاش‌هایی برای انتشار آنها به زبانهای بومی همانند بنگالی، تلگو (Telugu) (زبان دراویدی جنوب هند) و ناگری انجام گرفت و از آنجایی که این ویراست‌های پورانه‌ها بر اساس نسخه‌های محدودی انجام شده آثار ضعیفی محسوب می‌شوند. پس از انجام تصحیح انتقادی از مه‌بهارته و رام‌ایتیه در دو مؤسسه مطالعاتی در پونه (Pune) و بروده (Baroda)، هرپرسد شاستری (Haraprasad Shastri) رئیس پنجمین کنفرانس «All-India Oriental Confrence» با اشاره به ویرایش پونا، تصحیح ۱۸ پورانه را به صورت انتقادی خواستار شد. از این زمان به بعد بود که تصحیح انتقادی این متون آغاز شد. در ابتدا از متسیه پورانه تصحیح مقدماتی انجام شد، اما *وامنه پورانه* اولین متنی بود که به صورت انتقادی تصحیح شد، پس از آن *کورمه پورانه* در ۱۹۷۲، *وراهه* در ۱۹۸۱ م و سپس سایر پورانه‌ها منتشر شدند (Rocher, 1986: 2/ 2-7).

در زبان انگلیسی ویراست‌های فراوانی از پورانه‌ها از سوی موسسات مختلف منتشر شده است. مهمترین ناشر که در زمینه پورانه فعالیت می‌کند انتشارات ونگووشی (Vangavashi Press) در کلکته است. اخیراً جمعی از محققان مانند جی ال شاستری (J.L. Shastri)، جی وی تگره (G.V. Tagare) و ان. گنگدهرن (N. Gangadharan) در مجموعه‌ای با عنوان «*سطوره شناسی و سنت*

هندویی باستان» (*Ancient Indian Tradition and Mythology*) به ترجمه پورانه‌ها پرداختند که این آثار دارای حاشیه‌ها و مقدمه‌های ارزشمندی جهت شناخت پورانه‌ها هستند. علاوه بر آن ویراست‌هایی از پورانه‌ها به وسیله جامعه آسیایی بنگال با عنوان «*Bibliotheca Indica*» و موسسات مختلفی در شهرهای پونه، بمبئی و کلکته منتشر شده است (Bhattacharyya, 1996: 239). در دو دهه اخیر نیز فعالیت‌های تحقیقاتی درباره پورانه‌ها، از سوی مراکز تحقیقاتی غرب و محققان غربی صورت گرفته است (Matchett, 2003: 141-142). مسأله‌ای که در مورد تحقیق درباره پورانه‌ها باید بدان اشاره کرد این است که همه پورانه‌ها به طور یکسان مورد توجه قرار نگرفته‌اند؛ زیرا برخی از متفکران برآنند که پورانه‌ها بیشتر بیانگر نظامی اسطوره‌ای هستند. از این رو، متفکران و اصلاح‌گران معاصر هند کمتر به پورانه‌ها به عنوان اسنادی دینی و فرهنگی علاقه نشان داده‌اند. نظریات منفی محققان درباره این متون نیز از دیگر علل کم توجهی به آنها بوده است (Rocher, 1986: 2/ 7-10). البته برخی با توجه تحقیقاتی که درباره محتوای پورانه‌ها به ویژه اطلاعات تاریخی آنها انجام داده‌اند برآنند که مطالب این متون چندان غیر موثق نیستند. برای نمونه وینسنت اسمیت (Vincent Smith) در سال ۱۹۰۲ ثابت کرد که مطالبی که در متسیه پورانه درباره پادشاهان اندهره (Andhara Kings) و مدت پادشاهی و قلمرو تحت سلطنت آنها آمده همگی صحیح و مطابق با داده‌های تاریخی است (Rapson, 1922, V. 1, p. 229).

تذکر این نکته لازم است که در کشور ما نیز به جز دو رساله در مقطع دکتری، یکی با عنوان «مقایسه نظام خدانشناسی اسلام و آیین هندو در بحارالأنوار و ویشنوپورانه» اثر محمدرسول ایمانی (۱۳۹۴) و دیگری «جهان‌شناسی پورانه‌ای: ویشنوپورانه و وایوپورانه در مقایسه با جهان‌شناسی قرآنی» به قلم نگارنده (۱۳۹۵)، کار عمده‌ای درباره این متون انجام نگرفته، حال آنکه نظر به حجم قابل توجه این متون و مضامین متعددی که در آنها وجود دارد، می‌توانند دستمایه پژوهشهای بیشماری درباره دین و فرهنگ هندو قرار بگیرند.

۲-۱۰- اوپه پورانه‌ها

در کنار پورانه‌های اصلی، گروه دیگری وجود دارد که پایین تر و متأخرتر از پورانه‌های اصلی بوده و به اوپه پورانه به معنی «پورانه‌های کوچکتر» معروفند. اسامی این متون که تعداد آنها نیز هجده تاست در کورمه، گروه و پدمه پورانه آمده است. اوپه پورانه‌ها را به فردی به نام مونی‌ها (Munis) عنوانی برای قدیسان، حکما، زهاد و عزلت‌گزینان که بیش از همه در متون حماسی و پورانه‌ها بکار رفته و جایگزینی برای اصطلاح ریشی وداها است) منسوب کرده‌اند، اما در پدمه

پورانها آنها را به منو نسبت داده اند که باید گفت قدمتی که برای آنها ذکر شده جعلی به نظر می‌رسد (Jones, 2007: 297; Rapson, 1922: 1/ 300). فهرست این هجده پورانها عبارتند از: سننه کورمه، نارسینه، ناردیه، شیوه، دورواسه ها، کاپیله، مانوه، اوشنه ها، وارونه، کالیکه، شامبه، سنوره، ادیتیه، مهیشوره، دوی بهاگوتنه، واسیسته، ویشنو دهرموتره، و نیلمته پورانها (Pargiter, 1919: 10/ 455; Mani, 1975: 619). به لحاظ محتوایی بیشتر اوپه پورانها به خدایانی غیر از ویشنو و شیوه اختصاص دارند. برای نمونه کتاب‌هایی همچون سنوره و پورانها فرعی تر گنشه، یکی به پرستش خدای سوریه و دیگری به پرستش خدای گنشه می‌پردازند. پورانها گنشه گزارشی از پرستش خدای مزبور و مجموعه‌ای از اسطوره‌های مرتبط با تولد او در زمین است. همچنین در این پورانها، گنشه به صورت کودکی تصویر می‌شود که شیاطین را از بین می‌برد (Baily, 2010: 641).

۳- نتیجه

با نگاهی به ادبیات پورانهای می‌توان گفت در وهله اول حجم قابل توجهی از متون دینی هندو وجود دارد که بخش عظیمی از مفاهیم دینی، فرهنگی، اسطوره‌ای و تاریخی هند را در بر گرفته‌اند و برای شناخت آیین هندو، به ویژه در دوره کلاسیک و پس از آن (۲۰۰ میلادی به بعد) حائز اهمیت هستند. نظر به ادعای پورانها بر وحیانی و هم‌سنگ وداها بودنشان، به هر حال از متون سمرفیتی شمرده می‌شوند. درباره اینکه پورانها دارای منشأ انسانی باشند، هم شواهدی در متون متقدم آمده و هم در خود سنت پورانهای از ویاسه به عنوان مرتب کننده و ویراستار مطالب موجود پیشین نام برده شده است. احتمالاً این متون عمدتاً به وسیله افرادی از طبقه کشتریه‌ها یا جنگاوران و بعد از میلاد نگاشته شده‌اند و با توجه به قرآنی که در آنها وجود دارد، در انتسابشان به ادبیات کلاسیک تردیدی نیست. عدم دخالت طبقه برهمنی در نگارش این متون، و بالعکس نقش محوری کشتریه‌ها در تدوین آنها، می‌تواند حکایت از عکس العمل طبقه کشتریه در برابر جامعه برهمنی باشد؛ چرا که می‌کوشیدند با تدوین متون دینی و ربط و نسبت دادن آنها به سنت های کهن هندی، جایگاهی برای خود در جامعه دینی هند دست و پا کنند.

دسته‌بندی پورانها به سه دسته، که در آنها محوریت با آموزه های مربوط به خدایان برهما، ویشنو و شیوه است، بیانگر تمایلات فرقه گرایانه هندوها در دوره کلاسیک بوده؛ به گونه‌ای که این مطالب بازتاب آن رویکردها به شمار می‌رفته است. این متون برخلاف سایر متون دینی هندو، به ویژه اوپنیشدها که متون حکمی و فلسفی هستند، بیشتر بیانگر سنت شفاهی و فرهنگ عامه جامعه

هند بوده‌اند. البته باید گفت که با وجود این، می‌توان از لابه‌لای این متون، مضامین عمیق فلسفی و حکمی فراوانی استخراج کرد.

با توجه به اشاره‌هایی که به پورانه‌ها در متون هندو شده و شباهت‌هایی که میان آنها و متون حماسی وجود دارد می‌توان گفت که این متون به عنوان بخشی از تفکر هندو و استمرار آن محسوب می‌شوند و وجود متونی با عنوان پورانه در بین دین‌های بودایی و جین حاکی از سبک خاصی از ادبیات دینی به نام پورانه در بین هندوها بوده است.

چاپ نسخه‌های متعدد و ترجمه آنها به زبان‌های مختلف هندی شاهدهی بر این مدعا است که این متون، بیش از همه مورد توجه عامه بوده است. به همین دلیل، طبقه روحانیون و نیز اندیشمندان هندی کمتر به آن توجه کرده‌اند. اگر گاهی به آنها توجه شده، بیشتر در حد ارجاعات پراکنده بوده است. اما ترجمه و ویرایش‌های متعدد و انتقادی از این متون به دست محققان غربی، حاکی از تغییر نگرش دنیای معاصر به آنهاست.

با توجه به فراوانی پورانه‌ها، این متون می‌توانند دست‌مایه پژوهش‌های بیشماری در دین و فرهنگ عامه هندویی قرار بگیرند؛ اگرچه در زبان انگلیسی آثاری درباره مضامین تاریخی این متون نگاشته شده، اما هنوز جای آثاری که به طور مستقل مفاهیم مربوط به معرفت‌شناسی، خداشناسی، جهان‌شناسی و آخرت‌شناسی آنها را بررسی کند، خالی است. حال آنکه پژوهش‌های معاصر تنها تعداد محدودی از آنها را مد نظر قرار داده‌اند.

نبود تفاسیر عمدتاً به زبان انگلیسی یکی از مهمترین موانع در شناخت مضامین و مفاهیم دینی آنهاست. در دوره معاصر بر بعضی از پورانه‌ها از جمله به‌گوتیه پورانه تفاسیری نوشته شده، اما این تفاسیر تنها به برخی از جنبه‌های آن توجه کرده و بیشتر حالت گزینشی دارند که از جمله آنها می‌توان به تفسیری با عنوان « *Commentaries of Fifth" Canto Bhāgavata* » اشاره کرد که به وسیله استادان مکتب ویشنویی نگاشته شده است.

منابع .

- 1- **Ancient Indian Tradition and Mythology: The Bhagavata Purana**, 1987, tr. and Annotated by: Genesh Vasudeo Tagare, Delhi, Motilal Banarsidass.
- 2- **Ancient Indian Tradition and Mythology: The Kurma Purana**, 1987, tr. and Annotated by: Genesh Vasudeo Tagare, Delhi, Motilal Banarsidass.
- 3- **Ancient Indian Tradition and Mythology: The Vāyu Purāna**, 1987, tr. and Annotated by: Genesh Vasudeo Tagare, Delhi, Motilal Banarsidass.
- 4- Bailey, Greg, 2010, "**Puranas**", *Encyclopedia of Hinduism*, ed by: Denise Cush and et al., Routledge, p.634-642.
- 5- Bhattacharyya, Narendra Nath, 1996, ".....", New Delhi, Munshiram Monohalal Publishers, V.1.
- 6- Coburn, Thomas B., 1980, "..... e **Purānas and The** ..", *Religious Studies*, V.16, Issue 3, p. 341-352.
- 7- Conio, Caterina, 1987, "**Puranas**", *Encyclopedia of Religion*, ed by: Mirca Eliade, New York, Macmillan, V.12, p. 86-89.
- 8- Cort, John E., 1993, ".....", *Purana Perennis: Reciprocity and Transformation in Hindu and Jaina Texts*, ed by: Doniger, Wendy, New York, State University of New York Press, p. 185-206.
- 9- Dange, Sadashiv Ambadas, 1986, ".....", New Delhi, Navarang, V. 4.
- 10- Dasgupta, Surendranath, 1952, ".....", London, Cambridge University Press, V.3.
- 11- Imani, Muhammad Rasoul, 2010, ".....", *Ma'rifat-i Adyān*, Vol.1. No.4, pp. 165-187.
- 12- Jones, Constance A., James D. Rayan, 2007, ".....", New York, Facts On File.
- 13- Kloetzli, W. Randolph, 2010, "**Ptolemy and Purana: Gods Born as Men**", *Indian Philos*, Num. 38, p. 583-623.
- 14- Klostermaier, Klaus K., 1998, ".....", Oxford, One World Oxford.
- 15- Lipner, Julius, 2005, ".....", London and New York, Routledge.

